

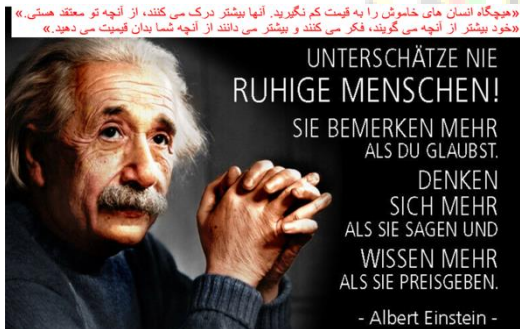


۲۰۲۲/۱۲/۱۳

دوکتور محمد اکبر یوسفی

حکومت از قوم نه، بلکه از سازمان سیاسی است!

نویسنده در تعدادی از مقالات قبلی به توضیح مطالبی پرداخته است، که نژاد پرستان، دهه های طولانی از ادعاهای آنها، به عنوان «تیئوری» و یا «آیدیالوژی»، تبلیغ نموده و حال هم به همان راه جنایتبار روان اند. در یک مقاله معلوماتی یکی از نویسندگان محترم افغان در "سایت" "آریانا افغانستان آنلاین" می خوانیم: "متن موافقتنامه میان جمهوری تاجیکستان و جبهه مقاومت ملی افغانستان" صرف نظر از تمام جوانب، درین متن، کدام "گروپ" نام نهاد با نام "جبهه مقاومت" به خود حق می دهد که در همچو شرایط "ساحاتی" را از خاک افغانستان واحد، که مدعی "تسلط" بر آن اند، حتی با آن دولت خارجی "قرارداد استخراج معادن را عقد" کنند. درین مورد قضاوت را می گذاریم، به بررسی "حقوق دانان". اما در بیش از چهل سال اخیر شاهد آن بوده ایم، که در قلب "کوه های" تحت اشغال این باند، چه ویرانی های نیست، که در تحت نام استخراج غیر مجاز و غیر قانونی به یاد داریم. چنانچه پدر زن احمد شاه مسعود خود می گفته است، که بطور نمونه "هیلیکوپترهای ساخت "شوروی" را بقول خودش از "پولندی ها" در بدل "لاجورد" خریداری می کرده است. اینها از سالها بدینسو به استخراج "لاجورد" و "زمرد" و بشمول "طلا" با شیوه های غیر مسلکی مصروف بوده اند و این ذخایر که اصلاً ملکیت تمام مردم این سر زمین شمرده می شود، توسط آنها تاراج گردیده و تاراج می گردد. جمله دیگر شرم آور برای هردو جانب که باید منسوب بدانیم: این تفاله های بی معنی است، که با اهداف حاکمیت سیاسی ارتباط داده می شود، اما بدون تردید نماینگر

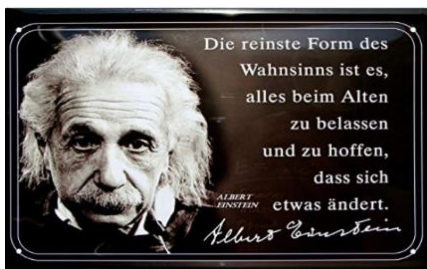


«راسیزم» یا «نژاد پرستی» کثیف آشکار است: «- بادرک روابط قلبی میان مردمان مان که ریشه های زبانی، فرهنگی، تاریخی، و سرانجام تباری داشته...». به قول "کارل رایموند پوپر" که گفته است، "گذشته برای ما داده شده است، که آنرا تغییر داده نمی توانیم. اما در برابر آنچه که انجام یافته است، جوابگو هستیم..." در عین حال می گوید که "تاریخ هیچ هدفی را تعقیب نمی کند و به هیچکس نمی گوید که در آینده چه کند." اما او در عین حال تأکید می ورزد که می توان تاریخ را مطابق اهداف "جامعه باز" در خدمت قرار داد. به همین ترتیب متفکر معروف دیگر، "فزیكدان" و "فیلسوف آلمانی"، "هنس پیتر دیور" در رابطه با اینکه "آینده باز" است، "تخیل" و "واقعیت" را باهم مقایسه نموده می گوید، کسانی که در تحت نام "واقعین"، آینده را از روی آنچه در گذشته بوده است، در پلان می گیرند، بعد تعجب خواهند کرد که چرا در آن "گودال" می افتند، که در گذشته نیز افتاده بوده اند. یک "واقعین حقیقی" را "هنس پیتر" یک «اوتوپست» یا «خیالی» نامیده است، زیرا «واقعین حقیقی» می داند، که «آینده طور دیگر است.» حال طوری که در مقالات قبلی هم توضیح گردیده است، دولت بر ارزش های کلتوری اعمار شده نمی تواند. تمام آنچه در تحت نام «قوم» و یا «پیرو دین» یاد می شود، به مفهوم جمعاعی یاد می شوند که حامل ارزش های کلتوری اند و در پرنسیپ همه از تقدس و عزت

و اعتبار مساوی برخوردار اند که چهار چوب ثقافت و عنعنات و رسوم مختص به خود آنها، زندگی انسانی در صلح را به پیش



می برند. این تشکل های قومی در ترکیب اجتماعی دولت، همه اعضای آن، در موقف مساوی در حاکمیت قرار ندارند. زیرا سازماندهی «قومی» که قبل از تشکیل دولت تعمیم می شده است، دیگر وجود حقیقی ندارد. در چنین شرایطی که مراحل گذار از «سازماندهی اداره قومی» به «اداره دولتی» سپرده می شود، دیگر سران «قوم» آن رسالت قبلی را از دست می دهند. حال موقف هر فرد، در برابر، حاکمیت دولتی مطرح است، که با قبول «تابعیت» فرد از حاکمیت دولتی، مکلفیت و حقوق آن فرد هم چنان، تعریف مشخصه، برای خود اختیار می کند. این مربوط به آنست که چه نوع «حاکمیت» در قلمرو برقرار است، آیا رژیم «استبدادی» است، یا «ارستوکراسی» و یا «جمهوری» که دیموکراسی در آن مجاز شمرده شده می تواند. حال وقتی پس از قریب ۵۰ سال بحران خونین کشور، کشور با یک وضعیت خاص روبرو است، باید نخست واضح باشد که اجتماع، اداره آنرا در تحت چه «قانون» به پیش می برد. حکومت ها، توسط تشکل های «سازمانی» با نظرات و



(«صاف ترین شکل جنون اینست که همه چیز را به حالت گذشته گذاشت و امیدوار بود [که خود به خود، چیزی تغییر خواهد کرد.»] (البرت اینشتاین) »)

مقررات «سازمانی» به پیش برده می شوند. تمام اعضای «قوم» و یا «جامعه» در آن «حاکمیت سهیم» نمی باشند. به عبارت دیگر: حکومت از قوم نه، بلکه از سازمان سیاسی است! بناءً نخست باید مشخص گردد، که جامعه به اجرای کدام وظایف عاجل نیازمندی فوری دارد و برای آن کدام کاندیدان اهل کار و حرفه حاضر اند، مطابق قانون وظیفه را بپذیرد و با قبول مسئولیت قانونی، به اجرای آن متوسل شود. مهارت حرفوی و توانمندی کاری و صداقت در

کار است، با «قومیت»، «عقیده» و «تبار» ربطی ندارد. بناءً کسانی که نخست خود آنانرا در تحت نام «مطحری»، در تقاصاهای «حکومت همه شمول» و «حکومت فراگیر» و یا «حکومت بر پایه وسیع» و غیره جملات فریبنده مطرح می سازند، اشتباه می کنند. این فقط ناشی از نفوذ «خارجی هاست» که برای مأموران آنها، ساده امی شمارند که باز هم، با مستخدمین سابقه دار خود آنها سروکار داشته باشند و از بحران کشور ما بهره برداری کنند. همین چند «مهره» را بطور مثال نشان می دهیم که درین چهار دهه در ویرانی وطن سهیم بوده اند، باز هم می خواهند، تا آخرین روز زندگی آنها، آنچه را تکرار کنند، که به حمایت بیگانگان در تمام سالها انجام داده اند.

پایان

....



برای مطالب دیگر دوکتور محمد اکبر یوسفی روی عکس کلیک کنید